

مطالعه تطبیقی "حکمرانی خوب" از منظر نامه ۵۳ نهج البلاغه و آرای اسکاپی

حبیب الله حلیمی جلودار* / مرتضی علویان** / ابوذر نیک جهان***

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۳

چکیده

"حکمرانی خوب" که اخیراً توسط اندیشمندان غربی مطرح شده است، به واقع مدلی برای ارزشیابی پیشرفت است که کشورهای غربی به دنبال القاء آن به دیگر کشورها هستند و آنرا کلید پیشرفت جوامع در حال توسعه می‌شمارند. "حکمرانی خوب" از وجود سه بخش: دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی توأم با ارتباطات متقابل آنها و ویژگی‌های هشت‌گانه: پاسخگویی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، حاکمیت و برابری، رضایت و توافق جمعی، مشارکت، تبعیت از قوانین و مقررات و کارایی و اثربخشی، تشکیل گردید. این نوشتار با استواری بر روش توصیفی-تحلیلی، تفاوت ماهوی و مبنایی "حکمرانی خوب" براساس تطبیق نامه ۵۳ نهج البلاغه با آرای اسکاپی را بررسی نموده. لذا ابتدا "حکمرانی خوب" و شاخص‌های آن بررسی و سپس "حکمرانی خوب" و شاخص‌های آن براساس فرمان امام علی (علیه السلام) با "حکمرانی خوب" از دیدگاه نهادهای بین‌المللی مقایسه گردید. نتیجه اینکه "حکمرانی خوب" از دیدگاه نهادهای بین‌المللی یا منطقه‌ای آن (اسکاپ) بر محوریت انسان استوار است؛ در حالیکه "حکمرانی خوب" و شایسته "براساس شاخص‌های نامه ۵۳ نهج البلاغه بر محوریت خدا قرار گرفته که تمام ابعاد زندگی انسان را به شیوه‌ای کاملتر دیده است. تفاوت اساسی حکمرانی براساس نامه ۵۳ نهج البلاغه با "حکمرانی خوب" (اسکاپی)، در مبانی قانون‌گذاری است، زیرا امام (علیه السلام)، قانون و قانون‌گذاری را منحصر به خداوند یا کسانی می‌دانند که از طرف خداوند باشند در حالیکه در نوع اسکاپی، قانون و قانون‌گذار، مردمند.

واژگان کلیدی

حکمرانی خوب، نامه ۵۳ نهج البلاغه، اسکاپ، شاخص‌ها، شایسته.

* jloudar@umz.ac.ir

*. دانشیار دانشگاه مازندران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، (نویسنده مسؤول).

** m.alavian@umz.ac.ir

** . دانشیار دانشگاه مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

*** a.tabrizi12@yahoo.com

*** . دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

۱. مقدمه

از دیرباز و از زمانی که آدمی پا به عرصه جهان نهاد و زندگی جمعی و گروهی را آغاز کرد فکر حکمرانی و مدیریت در اذهان پرورش یافت، تا جایی که امروزه تحقق اهداف هر سازمانی وابسته به مدیریت آن سازمان و چگونگی حکمرانی آن حکومت و دولت، به وسیله افراد شایسته و مجرب می‌باشد. البته حکمرانی، منحصر به امور مادی و دنیوی نمی‌شود، بلکه در امور معنوی و اخروی هم ضرورت دارد. خداوند هدایت‌گرانی چون انبیاء (علیهم‌السلام) را برای هدایت مردم فرستاد که آنان با اینکه بیشتر داعیه معنوی داشتند، در حکومت‌داری هم سرلوحه بودند و جوامع خود را به سوی رشد، تکامل و پویایی سوق می‌دادند. مدیران حکومت و دولت‌مردان جامعه اسلامی مجریان قانون الهی می‌باشند به لحاظ تقدیس این مقام، یک عمل ناشایست آنان می‌تواند ضایعه‌ای جبران ناپذیر بر روند اجرای احکام در جامعه وارد آورد و از سوی دیگر هرگاه مدیران جامعه، تقوا، عدالت، صداقت و امانت را مشاهده کنند به اساس حکومت معتقد خواهند شد و با جان و دل، خود را موظف به همکاری با دولت و دولت‌مردان خواهند داشت. (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲) لذا غایت سیاست را سامان‌دهی امور اجتماع می‌دانند به گونه‌ای که در آن اجتماع، انسان‌ها بتوانند در نظم، امنیت، آزادی، آسایش و آرامش، زندگی کنند و هر یک به فراخور خود بهره مادی و معنوی خویش را از فرصتی که خداوند برای زندگی در این جهان به آنها عرضه داشته است ببرند. (سروری و محمودآبادی، ۱۳۹۳: ۲۸) از آنجا که یکی از مسایل مهم جهان امروز تغییرات سریع دولت و فرایندهای حکمرانی و مدیریت است نقش سنتی و تاریخی دولت‌ها تغییر یافته و به تبع آن، ماهیت فرایندهای حکمرانی، دگرگون شده است و نظریه‌پردازان در این باره دیدگاه‌های گوناگونی را مطرح نموده‌اند اما با وجود همه این دیدگاه‌ها، خلاء حکمرانی جامعه احساس می‌شود و در واقع موضوع حکمرانی باید به منزله جایگزینی برای "حکمرانی خوب" باشد. (خاشعی و مرنندی، ۱۳۹۳: ۸۵) یکی از مباحث بسیار مهم و در عین حال جدید که از دهه ۱۹۸۰ به بعد در ادبیات توسعه مطرح شد، موضوع حکمرانی خوب است. این مسأله به ویژه در کشورهای در حال توسعه در راستای استقرار و نهادینه‌سازی جامعه مدنی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. (شاه‌آبادی و جامه بزرگی، ۱۳۹۲: ۲) حکمرانی در لغت در معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود. (میدری، ۱۳۸۳: ۲۵۸)

موضوع محوری "حکمرانی خوب"، چگونگی دست یافتن به حکومتی است که بتواند زمینه‌ساز توسعه‌ای عادلانه و مردم‌سالار باشد. به عبارتی ماهیت حکمرانی با تسلط و اعمال قدرت تفاوت دارد و از

نوعی تنظیم‌گری نشأت می‌گیرد. در فرهنگ اسلامی بارها به پدیده "حکمرانی خوب و شایسته" اشاره شده است. دستورات صریح دین اسلام در سال‌های قبل از طرح ایده "حکمرانی خوب"، در قرآن، روایات و سیره پیامبران و امامان (علیهم‌السلام)، مبانی "حکمرانی خوب" بیان شده است و بعد از گذشت قرن‌ها فلسفه غرب آن را به عنوان دستاورد بشری و پیش‌نیاز توسعه همه جانبه ارائه نموده است. این در حالی است که اصول "حکمرانی خوب" کاملاً با ارزش‌های دینی تطابق دارد لذا توجه به منابعی که "حکمرانی خوب" را تبیین نموده است بیش از پیش مشهود می‌باشد. یکی از منابع جامع درباره "حکمرانی خوب"، نهج البلاغه، به خصوص فرمان حضرت علی (علیه‌السلام) به مالک اشتر (نهج البلاغه، نامه ۵۳) می‌باشد. (شاه‌آبادی و جامه بزرگی، ۱۳۹۲: ۲) این نامه که به نوعی قانون اساسی حکومت اسلامی علوی (علیه‌السلام) است ویژگی‌های حکومت اسلامی، حاکم اسلامی، حقوق شهروندان، رابطه دولت با شهروند و... بیان شده است. این فرمان بی‌تردید از مهمترین اسناد سیاسی اسلامی و خصوصاً شیعی است. بنابراین استخراج الگوی حکمرانی متناسب با منابع اسلامی باید در برنامه‌ریزی‌های کشور ما که نظام اسلامی است قرار گیرد لذا این پژوهش به دنبال بررسی "حکمرانی خوب و شایسته" بر اساس فرمان مالک اشتر و آرای اسکاپی می‌باشد.

۱-۱. پیشینه و ضرورت

در موضوع حکمرانی و حکمرانی خوب و نامه ۵۳ امام علی (علیه‌السلام) نوشته‌های فراوانی وجود دارد که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌شود اما در باره این عنوان خاص که حکمرانی خوب و شایسته را با نگاه تطبیقی براساس نامه ۵۳ امام (علیه‌السلام) و آرای اسکاپی بررسی نماید مورد احصاء نگارندگان قرار نگرفت:

- میدری و خیرخواهان، (۱۳۸۳)، «حکمرانی خوب بنیان توسعه»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛

- مبارک و آذریبوند، (۱۳۸۸)، «نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال ۹، شماره ۳۶؛

- صباغ و باسحا، (۱۳۸۸)، «نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه‌های دولت: مطالعه موردی بخش بهداشت و آموزش کشورهای اسلامی»، فصلنامه تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۴، شماره ۸۶؛

- شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، (۱۳۹۲)، «نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه»، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال ۱، شماره ۲؛

- دهقانی و همکاران، (۱۳۹۴)، «مقایسه تحلیلی حکمرانی خوب از دیدگاه نهادهای بین‌المللی با حکمرانی اسلامی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)»، کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم رفتاری و اجتماعی؛
- درخشه و شجاعی، (۱۳۹۴)، «شاخص‌های حکمرانی خوب در اندیشه و عمل امام علی (علیه السلام)»، پژوهش‌های علم و دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۶، شماره ۱؛
- دباغ و نفری، (۱۳۸۸)، «تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب»، نشریه مدیریت دولتی، دوره ۱، شماره ۳؛
- خنیفر، (۱۳۸۵)، «اصول مدیریت کارآمد از دیدگاه امام علی (علیه السلام)»، دوماهنامه تدبیر، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، سال ۲، شماره ۳؛
- خواجه‌سروری و زارعی محمودآبادی، (۱۳۹۳)، «فرهنگ سیاسی مطلوب در فرمان امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۳، شماره ۹؛
- خاشعی و هرندی، (۱۳۹۳)، «تبیین ابعاد حکمرانی متعالی مبتنی بر سیره حکومتی امام علی (علیه السلام): تلفیق رویکرد اجتهادی و تحلیل محتوا»، فصلنامه علمی پژوهشی: پژوهش‌های علم و دین، سال ۵، شماره ۱۰؛
- حسینی‌تاش و واثق، (۱۳۹۳)، «حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)»، فصلنامه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال ۳، شماره ۲؛
- حقیقت، (۱۳۸۰)، «امام علی (علیه السلام) و آسیب‌شناسی حکومت اسلامی»، مجله کتاب نقد، شماره ۱۸.

۲. نظریه "حکمرانی خوب" و پیشینه آن

"حکمرانی خوب" از جمله مباحثی است که در دو دهه اخیر توجه محافل علمی و بین‌المللی جهان را به خود جلب نموده است. محققان، "حکمرانی خوب" را با رویکردهای "فرایندی، لیبرالیستی و سوسیالیستی"، و در ابعاد "سیاسی، اقتصادی و انسانی" و با اهداف "توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی و توسعه پایدار انسانی" تعریف نموده‌اند. (دباغ و نفری، ۱۳۸۸: ۱) "حکمرانی خوب" از اواخر دهه ۱۹۸۰ توسط بانک جهانی طرح شد؛ در گزارش بانک جهانی برای اولین بار در سال ۱۹۹۱ میلادی، برای کشورهای صحرای آفریقا مطرح و اصطلاح، "Good Governance" در آنجا استفاده گردید و به عنوان ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو تعریف شد. برای "حکمرانی خوب"، تعاریف گوناگونی ارائه شده است البته روح حاکم بر همه آنها، تفاوت‌چندانی با هم ندارد. تعریفی که به مهمترین و کلی‌ترین خصلت نظریه "حکمرانی خوب" می‌پردازد این است که:

"حکمرانی خوب" بر مبنای همکاری، مشارکت و تعامل سه بخش اصلی جامعه یعنی دولت، بخش خصوصی اقتصاد و جامعه مدنی (NGO) در تصمیم‌گیری‌ها و اجرا، تأکید دارد. در واقع در "حکمرانی خوب" این سه رکن به عنوان عناصر اصلی، محسوب می‌شوند. "حکمرانی خوب" هیچگاه در مورد فرد، اطلاق نمی‌شود بلکه نظام و سازمان، بستر اصلی "حکمرانی خوب" است و در ویژگی‌های فوق، معیار اساسی و انضمام و حکومت و سازمان قرار گرفته است نه افراد و مدیران لایق و یا نالایق. (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳) بانک جهانی (۱۹۸۹) در گزارشات خود به بررسی اثرات حاکمیت نامطلوب بر تأخیر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه پرداخت. دیوف و دیگران، در این گزارش، که ناشی از نگرانی‌های مربوط به رابطه توسعه، دموکراسی و موضوعات متنوع اجتماعی بود، مفهوم "حکمرانی خوب" را مطرح کردند. آن‌ها بر این باور بودند که ضعف در به کارگیری و عملی کردن اصول "حکمرانی خوب"، یکی از مهم‌ترین موانع رشد و توسعه در کشورهای آفریقایی است. آن‌ها مهم‌ترین وظایف دولت در قبال جامعه را بر سه دسته تقسیم می‌کنند:

- روابط توسعه‌ای؛ به این معنی که دولت‌ها با مدیریت اقتصاد به منظور نیل به حداکثر رشد اقتصادی، قادر به ایجاد تغییرات بنیادین در زمینه‌های مختلف هستند.
- حقوق اجتماعی و فراهم کردن زمینه مشارکت در امور مربوط به اداره کشور؛
- روابط دموکراتیک و حقوق شهروندی

بر طبق جدیدترین تعریف بانک جهانی، "حکمرانی خوب"، در اتخاذ سیاست‌های پیش‌بینی شده، آشکار و صریح دولت - که نشان دهنده شفافیت فعالیت‌های دولت است - بوروکراسی شفاف؛ پاسخ‌گویی دستگاه‌های اجرایی در قبال فعالیت‌های خود؛ مشارکت فعال مردم در امور اجتماعی و سیاسی و نیز برابری همه افراد در برابر قانون، تبلور می‌یابد. (صباغ کرمانی و باسنا، ۱۳۸۰: ۱۱۰) تعریف دیگر از "حکمرانی خوب"، عبارت است از اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری برای مدیریت امور عمومی یک کشور در همه سطوح. حکمرانی مشتمل بر سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که به واسطه آنها، شهروندان و تشکل‌ها منافع خود را ابراز کرده، حقوق قانونی خود را استفاده نموده، تعهدات و تکالیف خود را ایفا و اختلافات خود را با میانجیگری حل می‌نمایند. (میدری، ۱۳۸۳: ۳۵۲) بر طبق تعریف انستیتو فنآوری توکیو؛ مفهوم حکمرانی به مجموعه پیچیده‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، فرآیندها و نهادهایی اطلاق می‌شود که به وسیله آنها، جامعه به طور رسمی و غیر رسمی، به اداره فرآیند توسعه و رفع تعارض‌ها می‌پردازد. (دثرن باس، ۲۰۰۳: ۳-۱۵) با توجه به مطالب فوق تعاریفی که از "حکمرانی خوب"

شده است، موضوع محوری "حکمرانی خوب" چگونگی دست یافتن به حکومتی است که بتواند زمینه‌ساز توسعه اقتصادی مردم‌سالار و برابرخواهانه باشد. اگر چه در برخی از متون، "حکمرانی خوب"، به معنی دولت خوب نیز تعریف شده است، اما نمی‌توان این دو مفهوم را مترادف دانست، زیرا همه نهاد‌های جامعه در قوه مجریه خلاصه نشده و سایر نهادها نیز در روند اداره يك کشور به اندازه خود سهیم می‌باشند. اما در میان بسیاری از اندیشمندان این اتفاق نظر وجود دارد که وجود دولت خوب، شرط لازم برای "حکمرانی خوب" است.

۲-۱. اسکاپ^۱

کمیسیون اقتصادی آسیا و خاور دور (اکافه) در مارس ۱۹۴۷ و با حضور ده کشور آمریکا، شوروی (سابق)، فرانسه، هلند، هند، فیلیپین، استرالیا و تایلند در شهر شانگهای چین تأسیس شد. هدف اصلی این کمیسیون بازسازی ویرانه‌های ناشی از جنگ جهانی دوم در کشورهای آسیایی و خاور دور تحت نظارت شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل (اکوسوک) بوده است. اکافه در نظر داشت تا به نوعی از کمک‌های طرح مارشال که از سوی آمریکا برای بازسازی اروپا اختصاص یافته بود بهره‌مند شود که این هدف عملی نشد. پس از پیروزی انقلاب چین، مقر (اکافه) بنا به دعوت دولت تایلند به بانکوک منتقل شد و در سال ۱۹۸۲ به کمیسیون اقتصادی - اجتماعی آسیا و اقیانوسیه (اسکاپ) تغییر نام یافت. گسترش دامنه فعالیت اسکاپ از ایران تا جزایر کوک، آن را به بزرگترین کمیسیون منطقه‌ای تبدیل کرده که بیش از نیمی از جمعیت جهان دوم و دوسوم جمعیت کشاورزی جهان را تحت پوشش قرار داده است و از جمله اهداف این سازمان، توسعه و رشد اقتصادی و بهبود شرایط اجتماعی کشورهای عضو، عمده‌ترین هدف اسکاپ بوده که از طریق بهره‌گیری از تجربیات کشورهای پیشرفته عضو و غیرعضو و افزایش همکاری‌های منطقه‌ای دنبال می‌شود. (محمدی پرفکر، ۱۳۶۹: ۵۶) شاخص‌های "حکمرانی خوب" طبق برنامه توسعه ملل متحد و بانک جهانی شامل؛

- مشارکت جویی
- حاکمیت قانون
- شفافیت
- پاسخگویی

1 . ESCAP

- شکل‌گیری وفاق عمومی

- حقوق مساوی (عدالت)

- اثربخشی و کارایی

- مسئولیت‌پذیری،

دو شاخص آخر، براساس کمیسیون توسعه ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه (ESCAP) اضافه شده است حکومت‌ها با احترام گذاشتن به این اصول و اجرایی کردن آن‌ها، می‌توانند گام‌های مؤثری در روند توسعه پایدار بردارند. (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳) از این رو، "حکمرانی خوب" از نگاه اسکاف مورد مطالعه و تطبیق با شاخصه‌های امام علی (علیه السلام) در فرمان مالک اشتر قرار می‌گیرد.

۳. شاخصه‌های "حکمرانی خوب" از دیدگاه نهادهای بین‌المللی

نهادهای بین‌المللی برای "حکمرانی خوب" شاخص‌هایی قائلند که با شرح مختصر برای هر کدام ذکر می‌شوند:

۱-۳. مشارکت

میزان مشارکت مردم در امور جامعه یکی از کلیدی‌ترین پایه‌های "حکمرانی خوب" به شمار می‌رود. مشارکت می‌تواند به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم - از طریق نهادهای قانونی - انجام گیرد. البته نمی‌توان انتظار داشت که در نظام تصمیم‌گیری یک کشور، تمامی نظرات موجود مد نظر قرار گیرد، بلکه مشارکت در اینجا، به مفهوم آزادی بیان و تنوع دیدگاه‌ها و سازماندهی یک جامعه مدنی است.

۲-۳. حاکمیت قانون

"حکمرانی خوب"، نیازمند چارچوب عادلانه‌ای از قوانین است که در برگرفته حمایت کامل از حقوق افراد به ویژه اقلیت‌ها در جامعه باشد و به صورت شایسته‌ای اجرا شود. لازم به ذکر است که اجرای عادلانه قوانین، مستلزم وجود نظام قضایی مستقل و یک بازوی اجرایی (پلیس) فساد ناپذیر برای این نظام است.

۳-۳. شفافیت

شفافیت، به معنی جریان آزاد اطلاعات و قابلیت دسترسی سهل و آسان به آن، برای همه است. هم‌چنین شفافیت را می‌توان آگاهی افراد جامعه از چگونگی اتخاذ و اجرای تصمیمات نیز، دانست. در

چنین شرایطی، رسانه‌های گروهی به راحتی قادر به تجزیه و تحلیل و نقد سیاست‌های اتخاذ شده در نظام تصمیم‌گیری و اجرایی کشور خواهند بود.

۳-۴. پاسخ‌گویی

پاسخ‌گویی نهادها، سازمانها و مؤسسات در چارچوب قانونی و زمانی مشخص، در برابر اعضای خود و ارباب رجوع، از جمله عواملی است که به استوار شدن پایه‌های حکمرانی خوب در يك جامعه منجر می‌شود.

۳-۵. شکل‌گیری وفاق عمومی

همانگونه که بیان شد، فراهم کردن زمینه ظهور نظرات متفاوت در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، از جمله اصول "حکمرانی خوب" به شمار می‌رود. حکمران خوب، باید نظرات مختلف را در قالب وفاق ملی عمومی به سمتی رهنمون سازد که بیشترین همگرایی را با اهداف کل جامعه داشته باشد. ایفای این نقش حیاتی نیازمند شناخت دقیق نیازهای بلندمدت جامعه در مسیر حرکت به سمت توسعه پایدار می‌باشد.

۳-۶. حقوق مساوی (عدالت)

رفاه و آرامش پایدار در جامعه، با به رسمیت شناختن حقوق مساوی برای تمامی افراد، ممکن خواهد بود. در جامعه باید این اطمینان وجود داشته باشد که افراد، به تناسب فعالیت خود، در منافع جامعه سهیم‌اند. به عبارت دیگر، در "حکمرانی خوب"، همه افراد باید از فرصت‌های برابر برخوردار باشند.

۳-۷. اثربخشی و کارایی

از "حکمرانی خوب" به عنوان ابزاری برای تنظیم فعالیت نهادها در راستای استفاده کارا از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست نیز یاد می‌شود. کارایی و اثربخشی در مقوله حکمرانی، از جمله مباحثی است که با گذشت زمان، اهمیت بیشتری پیدا است.

۳-۸. مسؤلیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری را می‌توان یکی از کلیدی‌ترین مؤلفه‌های "حکمرانی خوب" به شمار آورد. در کنار مؤسسات و نهاد‌های حکومتی، سازمان‌های خصوصی و نهاد‌های مدنی فعال در جامعه نیز باید در قبال سیاست‌ها و اقدامات خود پاسخگو باشند. لازم به یادآوری است که اصول "حکمرانی خوب" به صورت

زنجیری متصل به هم بوده و اجرایی شدن هرکدام از آنها، مستلزم اجرای سایر اصول است. برای مثال، نمی‌توان انتظار داشت که مسؤولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی بدون وجود شفافیت و حاکمیت قانون، جنبه اجرایی چندان در جامعه داشته باشد. (صباغ کرمانی و باسحا، ۱۳۸۸: ۴ و ۵)

۴. شاخصه‌های "حکمرانی خوب و شایسته" در فرمان مالک اشتر

امام علی علیه السلام در فرمان مالک اشتر از حاکم اسلامی، با عنوان امیر، مَلِک یا سلطان که به معنای تملک یا سلطه‌گری است یاد نکرده است، بلکه با کلماتی مانند امام و والی نام برده است، رهبر و امام کسی است که جمعیت و امتی را مدیریت می‌کند و خود طلایه‌دار حرکت است. والی و ولایت، به معنای پیوستگی است. والی امت کسی است که امور مردم را برعهده دارد و با آنها پیوسته است. از نگاه نهج‌البلاغه کسی که در رأس حکومت است ولی امر و متصدی کارهای مردم است و مکلف به تکلیف الهی می‌باشد. او انسانی است که بیشترین و سنگین‌ترین بار مسؤولیت بر دوش اوست زیرا سمت دیگر این امر، مردم قرار دارند که باید با همه ارزش‌های مادی و معنوی و آرمان‌هایشان مورد احترام قرار گیرند و دین و دنیای آنها با هم و در تعامل، ملاحظه شود. (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲: ۴) از نظر امام علی علیه السلام حکمرانی نقش مستقیم و مؤثری در وحدت و یکپارچگی امت دارد، زیرا امتی که با داشتن هدف الهی، در مسیر تکامل گام برمی‌دارد، به ناچار باید به رهبری تمسک جوید که تبلوری از آرمان الهی و مورد قبول و دلیل تحرک و پویایی باشد. (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳) امام علیه السلام در نامه مالک، تقریباً تمام اصول و مؤلفه‌هایی را که برای "حکمرانی خوب" لازم است، بیان کرده است. جامعیت این نامه در واقع مانند یک منشور حکومتی است که تمام اصول "حکمرانی خوب" در آن مشهود می‌باشد. مواردی نظیر: مردم‌گرایی، خودپسندی، منت‌گذاری، شتابزدگی، امتیازخواهی، عفو و صلح مردم، شادی نکردن برای مجازات و شتاب نداشتن در خشم، وادار نکردن اطرافیان به ستایش و تملق‌گویی، یکسان قرار ندادن نیکوکار و بدکار، خشکاندن ریشه هر گونه خودخواهی، اجتناب از چپاولگری و بی‌انصافی خواص و خویشتن، اجتناب از خون‌ریزی و...، که به خوبی نمایانگر شیوه حکمرانی و اهداف حکومت در اندیشه و سیره عملی آن حضرت می‌باشد. بنابراین، در اندیشه سیاسی امام علی علیه السلام هیچ نشانه‌ای از تسلط و خودکامگی حکومت و حکمران وجود ندارد و اگر زمامداران خود را مسلط بر مردمان ببینند و احساس کنند که بر هر تصمیم و عملی مجازند، بی‌گمان به خودکامگی و سلطه‌گری کشیده می‌شوند، بلکه مفاهیمی چون مدیریت، امانت‌داری، خدمت‌گزاری، مهرورزی، هدایت و پاسداری از حقوق مردم، نشانه‌های حکمران و حکمرانی است. (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲: ۵)

در اینجا شاخص‌های مورد نظر امام (علیه السلام) را برمی‌شماریم:

۴-۱. اطاعت خدا و تقوا

تقوا از مصدر وقایه به معنای حفظ و نگهداری و خویشتن بانی می‌باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۱۲) در فرمایشات امام علی (علیه السلام) مردم و زمامداران همواره به تقوای الهی سفارش شده‌اند امیرمومنان (علیه السلام) در حکمرانی خویش، و از جمله در نامه ۵۳ اطاعت از خدا و تقوا را اساس و اصول سازندگی دانسته است و همه چیز را با معیار تقوا ارزیابی می‌کرده‌اند. امام علی (علیه السلام) شیوه برخورد و اصول حکومت‌داری را در نامه خود به مالک اشتر از تقوا و خداگرایی آغاز می‌کند و سفارش می‌نماید که اداره صحیح جامعه اسلامی را با رعایت تقوا، عبادت و بندگی، خودسازی و توجه به امدادهای غیبی، سامان دهید. علی (علیه السلام)، مالک را به ترس از خدا فرمان می‌دهد، و اینکه اطاعت خدا را بر دیگر کارها مقدم دارد. خدا را با دل و دست و زبان یاری کند، زیرا خداوند کسی را تضمین کند که او را یاری دهد، و بزرگ دارد. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

۴-۲. عدل و برابری

عدالت، یکی از با ارزش‌ترین و پیچیده‌ترین مفاهیم در اندیشه بشری است که در محدوده خواسته‌های فردی و اجتماعی انسان قرار دارد. این موضوع، محور اصلی رویکردها و نظریه‌های مکاتب مختلف دینی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. از راه‌های اثر بخشی و نفوذ حکمرانان، عملکرد عادلانه آنان در رفتار و گفتار می‌باشد چنانچه امام (علیه السلام) فرمودند: "تو از گسترش عدالت میان مردم خشنود خواهی شد، و به افزایش قدرت آنان تکیه خواهی کرد، بدان به خاطر آنچه در نزدشان اندوختی و به آنان بخشیدی، و با گسترش عدالت و مهربانی با رعیت، به آنان اطمینان نمودی، اگر در آینده کاری پیش آید و به عهده‌شان بگذاری، با شادمانی خواهند پذیرفت. (نهج البلاغه، نامه ۵۳) و در جای دیگر می‌فرماید "همانا برترین روشنی چشم زمامداران، بر قراری عدل در شهرها و آشکار شدن محبت مردم نسبت به رهبر است. (نهج البلاغه، نامه ۵۳) در "حکمرانی خوب" همه افراد بایستی از فرصت‌ها بهره‌مند شوند و همه آنها به ویژه قشر آسیب‌پذیر بایستی از فرصت رشد و توسعه برخوردار باشند. (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲: ۱۰۲)

۴-۳. گردش نخبگان یا چرخش نخبگان و تفویض اختیار

از دیدگاه اسلام، سلسله مراتب اختیار به ترتیب از خداوند که خالق متعال است، آغاز می‌شود و به پیامبران بزرگوار و ائمه اطهار (علیهم السلام) می‌رسد و سپس به دست جانشینان خاص و عام آنان می‌افتد که در عصر غیبت، فقیهان جامع‌الشرایط هستند. بنابراین، در نظام حکمرانی و قانونگذاری اسلام، نوعی

تمرکزگرایی به نظر می‌آید و تمام فرمانها به خالق عالم می‌انجامد «إِنِ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» این تمرکزگرایی از نظر قدرت سیاسی و فرمانروایی است ولی از نظر اداری، نظام اسلامی، نظامی بر چرخش نخبگان است و در بسیاری از موارد، تفویض اختیار در چارچوب قانون الهی صورت گرفته است. در حکمرانی امیرمؤمنان (علیه السلام) نیز این چرخش نخبگان و تفویض اختیار وجود داشت. امام (علیه السلام) افزون بر اینکه برای هریک از مراکز حکومتی خویش، یک والی و فرمانروا برمی‌گزید، تمامی اختیارات آن منطقه را نیز به او واگذار و خود بر کار آنها به دقت نظارت می‌کرد. همچنین به امیران و حکمرانانی که برای سرزمینهای اسلامی بر می‌گزید، اختیارات تام و کاملی می‌داد و خود بر کار آنان نظارت می‌کرد. (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷) و در این مورد به مالک می‌فرماید: "خیرخواهی آنان زمانی است که با رغبت و شوق پیرامون رهبر را گرفته، و حکومت بار سنگین را بر دوش رعیت نگذاشته باشد، و طولانی شدن مدت زمامداران بر ملت ناگوار نباشد. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

چنانکه در فرمان خویش خطاب به مالک اشتر، این اختیارات را به وی تفویض کرد: «گزینش و انتخاب وزیران، تشکیل اتاق‌های فکر، مدرن کردن ارتش، شکل‌دهی سیاست خارجی در هنگام جنگ و صلح، حفظ ثبات داخلی، تأسیس قوه قضائیه اختیارات قابل تفویض امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر می‌باشد. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

مثلاً ارتش یکی از ارکان رکن حکومت اسلامی است. امام علی (علیه السلام) با توجه به اهمیت این رکن، نکاتی چند را متذکر شده‌اند، که در نظر نگرفتن آنها به نوبه خود نوعی آسیب به شمار می‌رود: آموزش آداب جنگ از جمله آن که تنها با بیکارکنندگان بجنگید، آرایش لشکر، دور نشدن سربازان از سلاح، استفاده از فرصت‌ها، عقب‌نشینی تاکتیکی به هنگام لزوم. (حقیقت، ۱۳۸۰: ۲۴۰) و یا در اهمیت امنیت می‌فرماید: «خدایا تو می‌دانی که آنچه از ما سرزند به خاطر خلافت نبود، بلکه این بود که بندگان مظلومت به امنیت برسند.» (ساروی و قادر زاده، ۱۳۸۴: ۳۷)

۴-۴. قدرشناسی و برخورد با خطاکاران

امام علی (علیه السلام) به مالک سفارش می‌کند، با قدرشناسی، خود را با افراد درستکار مرتبط کن؛ خدمات صادقانه آنها را به زبان بیاور و به صراحت قدردانی کن؛ زیرا تحسین و حق‌شناسی، افراد شجاع را در نیکوکاری برمی‌انگیزد و افراد تنبل را به خواست خداوند به تلاش وامیدارد. (نهج البلاغه، نامه ۵۳) اگر یکی از کارگزارانت، دست به خیانت آلود و گزارش بازرسان و جاسوسان تو نیز آن را تأیید کرد، بدان بسنده کن و بیدرنگ خیانتکار را کیفر ده و از کارش بازخواست کن. سپس او را به خواری کشان و داغ خیانت را بر

پیشانی او زن و حلقه ننگ و بدنامی بر گردنش آویز. (نهج البلاغه، نامه ۵۳) بنابراین امام علیه السلام همانگونه که به قدرشناسی کارگزاران پرتلاش توجه داشتند، بر توبیخ و تنبیه عوامل خطاکار و خائن نیز به شدت تأکید می‌کرد: «خطاکار را متناسب با جرمی که انجام داده است، مجازات کن، هرگز نیکوکار و بدکردار در پیش تو مساوی نباشند، زیرا در این صورت، نیکوکاران در کار نیک خود، سرد می‌شوند و بدکاران، به بدی کردن تشویق می‌شوند. هر یک از ایشان را به آنچه گزیده است، جزا ده. (نهج البلاغه، نامه ۵۳) قرآن می‌فرماید: «هر کس به اندازه ذره‌ای نیکی یا بدی کند، به نتیجه آن می‌رسد» (زلزال / ۸ و ۷)؛ بنابراین، قدرشناسی و تشویق یکی از راه حل‌ها و زمینه‌ها برای بازدهی بیشتر و بهتر است. قدر دانستن بسان انرژی و سوخت حرکت است. اگر بین کار و قدرشناسی، رابطه‌ای نباشد، سعی و تلاش از بین می‌رود. (خنیفر، ۱۳۸۵: ۶)

۴-۵. لیاقت سالاری

شناسایی، جذب و بکارگیری افراد با لیاقت برای هر پست و مقامی، امری لازم است. چنانکه اداره هر مقامی، از بالاترین امور که منصب امامت و رهبری مردم است تا پایین‌ترین امور، براساس لیاقت‌سالاری نباشد و اگر این اصل مهم زیر پا گذارده شود، چارچوب جامعه از هم می‌پاشد و هیچ کاری به مقصد نمی‌رسد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «در امور کارمندان بیندیش، و پس از آزمایش به کارشان بگمار.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) و نیز می‌فرماید: «در امور نویسندگان و منشیان به درستی بیندیش، و کارهایت را به بهترین آنان واگذار کن.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) یکی از برنامه‌های اصلاحی امیرمؤمنان علیه السلام برکناری والیان فاسد و گماشتن نیروهای شایسته، مطمئن و با تقوا به جای آنها قرار داد و کارگزاران خود را در مسؤولیت‌های مختلف سیاسی، نظامی، مالی، اداری، قضایی و غیره بر اساس شاخصه‌هایی متناسب با سمت آنان انتخاب می‌کرد. (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲: ۱۴)

۴-۶. بردباری و تاب‌آوری در اداره امور

زندگی انسان در دنیا، آمیخته با مشکلات عجیبی است که اگر در مقابل آن بردباری و مقاومت به خرج دهد، به یقین پیروز خواهد شد و اگر صبر پیشه نکند هیچگاه به مقصد نخواهد رسید. بردباری و ثبات قدم در اداره و رهبری انسان‌ها یاریگر حکمران، در برخورد با مشکلات و حل آنها می‌باشد، زیرا حکمرانان در پرتو این وزانت، فرصت فکری برای مقابله با مشکل را پیدا کرده به حل آن اقدام خواهند نمود. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: برای فرماندهی سپاه کسی را برگزین، که خیرخواهی او برای خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام تو بیشتر، و دامن او پاک‌تر، شکیبایی او برتر باشد، از کسانی که دیر به خشم آید، و عذر پذیرتر باشد. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

مهمترین نکته در مسأله مسؤولیت و مسؤولیت‌پذیری، امین بودن یا امانتداری است، وظیفه امانتداری از دستور مؤکد دین اسلام و از وظایف عقلی و انسانی می‌باشد و بهترین فرد برای سپردن کار و مسؤولیت، کسی است که در کار توانا و امین باشد. مسؤولیت‌های دولتی و حکومتی امانتی است که اگر به دست مدیران سپرده شود باید جز مقداری که شرع و قانون اجازه می‌دهد از آن امکانات بهره‌برداری نکنند بنابراین باید در انتخاب مدیران دقت لازم به عمل آید تا از افرادی مطمئن و امانتدار باشند، در ضمن مسؤول در حوزه مسؤولیتش باید اختیارات کافی داشته باشد تا بتواند به وظایفی که بر عهده دارد به خوبی عمل کند. هیچ کس حق دخالت در حوزه مسؤولیت دیگری را ندارد و در عین حال باید به مشاوره، همکاری و همیاری دیگران توجه کند. چنانچه حضرت علی علیه السلام در فرمانش به مالک ضمن تأکید بر تقوا و حُسن سابقه میفرماید: «فردی را به همکاری بپذیر که در امانتداری، چهره موجه و شناخته شده باشد.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) از این رو، ما شاهد ویژگی‌های حکومتی مردم‌سالار و مبتنی بر مردم‌سالاری دینی در حکومت حضرت علی علیه السلام در ۱۴ قرن پیش هستیم. در واقع، امیرالمؤمنین علیه السلام به مسؤولیت جمعی در حوزه مدیریت جامعه معتقد بودند. (درخشه و شجاعی، ۱۳۹۴: ۲۹)

۴-۸. حق مدار و مردم محور بودن

«دوست داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق، میانه‌ترین، و در عدل، فراگیرترین، و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد، که همانا خشم عمومی مردم خشنودی خواص را از بین می‌برد، اما خشم خواص را خشنودی همگان بی‌اثر می‌کند. خواص جامعه همواره بار سنگینی را بر حکومت تحمیل می‌کنند زیرا در روزگار سختی یاریشان کمتر، و در اجرای عدالت از همه ناراضی‌تر، و در خواسته‌هایشان پافشارتر، و در عطا و بخشش‌ها کم‌سپاس‌تر، و به هنگام منع خواسته‌ها دیر عذر پذیرتر، و در برابر مشکلات کم‌استقامت‌تر می‌باشند. در صورتی که ستون‌های استوار دین، و اجتماعات پرشور مسلمین، و نیروی ذخیره دفاعی، عموم مردم می‌باشند، پس به آنها گرایش داشته و اشتیاق تو با آنان باشد.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) لذا هرگاه حکومت مردم‌محور نباشد و رابطه حاکمان با آنان رابطه حاکم و محکوم باشد، تبعات جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت که امام علیه السلام به آن اشاره نمودند: «هرگز به مردم نگو، به من فرمان دادند و من فرمان می‌دهم (مأمورم و معذور)؛ که این گونه خود بزرگ‌بینی، دل را فاسد، و دین را پژمرده، و موجب زوال دولت‌ها است.» (همان)

۴-۹. شجاع و قاطع بودن در اجرای امور

قاطعیت، به معنای اجرای مناسب و به موقع، مدیر و حکمران شجاع و قاطع کسی است که در ادارهٔ افراد و جامعه، کمتر دچار حیرت و تردید و ضعف در تصمیم‌گیری می‌شود. حتی با قاطعیت تمام، موانع پیشرفت کار را شناسایی و بر طرف می‌کند. نقش و تأثیر جدی بودن مدیران در تمام لحظات بر کسی پوشیده نیست دودلی و عدم قاطعیت حکمران باعث می‌شود که شک و ابهام و سردرگمی در همهٔ بدنهٔ حکومت منتقل شده و کارها در زمان مناسب به انجام نرسد و حکومت به اهداف مورد نظر دست پیدا نکند؛ زمامداران جامعهٔ اسلامی باید در شرایط حساس و نفس‌گیر از قبیل جنگ، ادارهٔ جامعه، برخورد با دشمنان و اجرای عدالت، قاطعیت و شجاعت لازم را داشته باشند. امام علی علیه السلام در نامهٔ ۵۳ به مالک می‌فرماید که برای قضاوت، افرادی را برگزیند که ویژگی‌های لازم از جمله برندگی و قاطعیت را داشته باشند. (نهج البلاغه، نامهٔ ۵۳)

۴-۱۰. مشاوره و نظرخواهی

از روش‌های صحیح حکومت‌های قدرتمند و منطقی به ویژه در جامعهٔ اسلامی، مشورت کردن با دانشمندان و افراد آگاه است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «بخیل را در مشورت کردن دخالت مده، که تو را از نیکوکاری باز می‌دارد، و از تنگدستی می‌ترساند. ترسو را در مشورت کردن دخالت مده که در انجام کارها، روحیهٔ تو را سست می‌کند. حریص را در مشورت کردن دخالت مده که حرص را با ستمکاری در نظرت زینت می‌دهد. همانا بخل و ترس و حرص، غرایز گوناگونی هستند که ریشه آنها بدگمانی به خدای بزرگ است. (نهج البلاغه، نامهٔ ۵۳) اگر حاکمان بتوانند افراد و گروه‌های مختلف را در امور، شرکت داده از نظرات آنان در تصمیمات استفاده کنند و از بخیل‌ها، ترسو‌ها و حریص‌ها دوری جویند مطمئن می‌توانند موافقت آنها را در تصمیمات بهتر جلب کنند و از مقاومت آنها در برابر تغییرات و تصمیم‌گیری‌های جدید کاسته و آبادانی و پیشرفت کشور را به ارمغان آورند. «ای مالک، جلسات خود را با دانشمندان و حکیمان بیشتر کن و از آنها زیاد نظرخواهی کن، در آنچه که صلاح کار و صلاح مملکت تو در آن است و در آنچه که زندگی مردم در گذشته بدان استوار بود. (همان)

۴-۱۱. سابقهٔ خوب و نداشتن سوء پیشینه

یکی از اساسی‌ترین و اصولی‌ترین کارهای حضرت علی علیه السلام در حاکمیت، گزینش حکمران‌های بود که سابقهٔ نیکو داشتند به طوری که آن حضرت علیه السلام، امیران و فرماندارانی را که دارای سابقه سوء بودند و نسبت به مردم ظلم و ستم نموده بودند را عزل نمودند. لذا می‌فرماید: «کارگزاران دولتی را از میان

مردمی با تجربه و باحیا، از خاندانی پاکیزه و باتقوا، که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند، انتخاب کن زیرا آینده‌نگری آنان بیشتر است. (نهج البلاغه، نامه ۵۳) «بدترین وزیران تو کسی است که پیش از تو، وزیر بدکاران بوده و درگناهان آنان شرکت داشته باشد. پس مبادا چنین افرادی محرم راز تو باشند زیرا که آنان یاوران گناهکاران، و یاری‌دهندگان ستمکارانند. پس خوش سابقه‌ترین افراد را برای امور مردم تعیین و منصوب کن تا در توده مردم اثر مثبت داشته باشد. (همان)

۴-۱۲. برنامه‌ریزی و مدیریت زمان

زمان، با ارزش‌ترین و گرانبهاترین سرمایه و حیاتی‌ترین منبعی است که در اختیار هر فرد و حکمرانی قرار دارد، آینده یک ملت از آن ساخته می‌شود و تلف شدن آن ضایعات جبران‌ناپذیری را به بار می‌آورد. اگر حکمران به نظم و مدیریت زمان سفارش می‌کند، خود عملاً باید واجد آن باشد، و در عمل خود بر دیگران سبقت داشته باشد. برنامه‌ریزی و زمان‌بندی در امور از نظر آن حضرت تا آن حد اهمیت داشت که در بستر شهادت، که هنگام مهم‌ترین و ضروری‌ترین و کارآمدترین سفارش‌هاست، به این موضوع توصیه نمودند. (نهج البلاغه، نامه ۳۱) امام علی علیه السلام در فرمان خود به مالک می‌فرماید: کار هر روز را در همان روز انجام ده، زیرا هر روزی، کاری مخصوص به خود دارد. نیکوترین وقت‌ها و بهترین ساعات شب و روزت را برای خود و خدا انتخاب کن، اگر چه همه وقت‌ها برای خدا است، البته اگر در اوقات دیگر نیز نیت پاک کنی و توده مردم از آن نیت پاک در آرامش و آسایش باشند، همه آن اوقات در راه خدا به کار رفته است. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

۴-۱۳. ارج نهادن به مردم و مبارزه با غرور و خودپسندی

حضرت علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده، و با همه دوست و مهربان باش. برای آنها همانند جانور درنده و وحشی نباش، زیرا مردم آنجا دو دسته‌اند، یا مسلمان و برادر دینی تواند یا اگر مسلمان نباشند انسان بوده در خلقت همانند تو هستند.» (همان) و نیز می‌فرماید: «هیچگاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار، که پنهان بودن رهبران، نمونه‌ای از تنگ‌نظری و کم‌اطلاعی در امور جامعه می‌باشد. نهان شدن از رعیت، زمامداران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است باز می‌دارد، پس کار بزرگ، اندک، و کار اندک، بزرگ جلوه می‌کند، زیبا، زشت و زشت، زیبا می‌نماید و باطل به لباس حق درآید.» (همان) همچنین غرور، استبداد و برخوردهای مستبدانه و تحکم‌آمیز را ناپسند می‌شمارد. (همان) لذا حاکمیت باید شرایط آزادی بیان و نقد در قدرت را فراهم سازد و موانع آن را برطرف نماید. در همین راستا امام علی علیه السلام می‌فرماید: «بخشی، از وقت خود را به کسانی

اختصاص ده که به تو نیاز دارند، تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی، و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش، و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفتگو کند، من بارها از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمود: ملتی که حق ناتوانان را از زورمندان، بی اضطراب و بهانه‌ای باز نستانند، رستگار نخواهد شد.» (همان)

۴-۱۴. احترام به آداب و عادات پسندیده

برای حفظ افکار عمومی و جریحه‌دار نکردن احساسات مردم امام علیؑ از مالک اشتر می‌خواهد که نسبت به آداب و عادات جامعه اسلامی که ضرری متوجه مردم نمی‌کند احترام قائل باشد و بدون جهت در صدد تغییر سنت‌های مردم برنیاید. احترام به رسم‌های نیک یک ملت، احترام به شخصیت آن ملت است. بر همین اساس حکمران خوب باید در چارچوب کار تشکیلاتی خود رعایت این اصل اخلاقی را بنماید. (همان)

۴-۱۵. تأتی و عدم شتابزدگی در حکمرانی

یکی از آسیب‌های بزرگ مدیریت و مدیران در جریان حاکمیت و حکومت دینی، بلای شتابزدگی و اقدام‌های غیرکارشناسانه است، حکمران مدبّر کسی است که پشت صحنه‌های تصمیم‌گیری را شفاف ببیند و بشناسد و از اظهار و اعلام برنامه‌ها و پروژه‌های خام به شدت پرهیز نماید، خطر شتابزدگی در مدیران ارشد نظام به مراتب از مدیران میانی آسیب‌آفرین‌تر است از این رو باید در تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی کمال احتیاط و تأتی و تأمل را داشت و هیچگاه احساساتی و شتابزده عمل نکنیم. لذا امام علیؑ در عهدنامه مالک می‌فرماید: «مبادا هرگز درکاری که وقت آن نرسیده شتاب کنی، یا کاری که وقت آن رسیده سستی ورزی و یا در چیزی که (حقیقت آن) روشن نیست سئیزه‌جویی نمایی و یا در کارهای واضح و آشکار کوتاهی کنی تلاش کن تا هر کاری را در جای خود و در جای مخصوص به خود انجام دهی.» (همان)

۴-۱۶. تفکیک کارها و مسؤولیت‌ها

در جهان مدرن، متخصصینی به تئوری پردازی درباره تقسیم کار مشغولند زیرا یک نفر نمی‌تواند در یک زمان همه کارها را انجام دهد. تفکیک و تقسیم کار از دیدگاه حضرت عاملی در جهت انجام آسان‌تر و بهتر امور تلقی گردید و در این رابطه حضرت به مالک می‌فرماید: «برای هر یک از کارهای سرپرستی برگزین که بزرگی کار بر او چیرگی نیابد، و فراوانی کار او را در مانده نسازد، و بدان که هرگاه در کار نویسندگان

و منشیان تو کمبودی وجود داشته باشد که تو بی‌خبر باشی، خطرات آن دامن‌گیر تو خواهد بود(پاسخ گویی). (همان) در مکتب امیر(علیه السلام) تفکیک کار و مسؤولیت‌ها براساس شایستگی‌ها انجام می‌پذیرد.

۴-۱۷. عبرت‌آموزی و آینده‌پژوهی

وقتی امام علی(علیه السلام)، مالک را به فرمانروایی سرزمین مصر گماشت فرمودند: «ای مالک بدان! من تو را به سوی شهرهایی فرستادم که پیش از تو دولت‌های عادل یا ستمگری بر آن حکم راندند، و مردم در کارهای تو چنان می‌نگرند که تو در کارهای حاکمان پیش از خود می‌نگری.» (همان) و از سوی دیگر، هدف اصلی از مطالعه تاریخ، عبرت‌آموزی برای آینده است. بنابراین، مدیر و حکمران موفق کسی است که از تجربه‌های گذشتگان برای حرکت آینده خویشت بهره‌گیرد. آینده‌پژوهی، علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فرداست. از ویژگی‌های مهم این دانش، بهره‌گیری از تاریخ و ابزارهای علمی به منظور ترسیم چشم انداز متناسب با ارزش‌های حاکم می‌باشد از خصلت‌های مدیران مؤمن آینده‌نگری و آینده‌پژوهی جهت جلوگیری از آینده‌نگرانی است امام علی(علیه السلام) می‌فرماید: یکی از خصلت‌های مؤمنان آینده‌نگری است، مؤمنان کسانی هستند که آینده خویشت را می‌شناسند. (خنیفر، ۱۳۸۵: ۸)

۴-۱۸. بهره‌وری:

یکی از شاخص‌های حکمرانی، بهره‌وری و تأثیر گذاردن است. بهره‌وری به معنای انجام کارهای درست در کمترین زمان یا انرژی مصرفی برای بیشترین کاری که انجام شده است. حضرت علی(علیه السلام) در این رابطه به مالک می‌فرماید: «مالیات و بیت‌المال را به گونه‌های واریسی کن که صلاح مالیات دهندگان باشد، زیرا بهبودی مالیات و مالیات دهندگان، عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه می‌باشد، و تا امور مالیات دهندگان اصلاح نشود کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت، زیرا همه مردم نان خور مالیات و مالیات دهندگانند. باید تلاش تو در آبادانی زمین بیشتر از جمع آوری خراج باشد که، خراج جز با آبادانی فراهم نمی‌گردد، و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد، شهرها را خراب، و بندگان خدا را نابود، و حکومتش جز اندک مدتی دوام نیاورد.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) بهره‌وری دولت با سیاست‌گذاری و اجرا به وسیله دولت برای حمایت نظام بازار مورد توجه واقع شده، همچنین به توانایی دولت در قانون‌گذاری، داوری دادگاه‌ها، تصمیم‌های مدیریتی درباره حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی مانند پاسخ‌گویی و شفافیت اشاره می‌کند. افزون بر آن کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی و صلاحیت و شایستگی کارگزاران را بیان می‌کند. (مبارک و آذریوند، ۱۳۸۸: ۱۹۱)

۵. نقد بحث و ارایه نظریه مختار با نگاه تطبیقی

"حکمرانی خوب" رویکردی است که در نتیجه ناکامی سیاست‌های دولت رفاه و اقتصاد لیبرالی، شکل گرفت و نظریه و الگویی است که پس از اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری مورد نظر بانک جهانی و تشویق کشورهای در حال توسعه به خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی و سایر اصلاحاتی که عمدتاً رویکرد اقتصادی داشتند شکل گرفت. از این رو فلسفه کاپیتالیسم در پشت پرده این نظریه کاملاً هویداست و به روشنی می‌توان دید که دغدغه اصلی، حل مشکل چرخه اقتصاد جهانی و دنیای سرمایه‌داری است. با یک نگاه کلی نگر می‌توان گفت که "حکمرانی خوب" از نوع اسکاپی با شاخص‌های - مشارکت‌جویی، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، شکل‌گیری وفاق عمومی، حقوق مساوی (عدالت)، اثربخشی و کارایی، مسئولیت‌پذیری - از دیدگاه سازمان ملل و بانک جهانی مبتنی بر ماده‌گرایی، دنیاگرایی و اومانیزم است. این نوع حکمرانی اساساً به بُعد مادی امور جامعه با محوریت انسان و با رویکرد این جهانی، توجه می‌کند. "حکمرانی خوب" عمدتاً از نظر شکلی، از عناصر و مؤلفه‌هایی مانند دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی تشکیل شده است. این مجموعه با هماهنگی یکدیگر، تصمیم می‌گیرند که قدرت در دست چه کسی باشد و چگونه اعمال شود. در حالیکه "حکمرانی خوب و شایسته" بر اساس نامه ۵۳ نهج البلاغه که در واقع، مصداق بارز و عینیت خارجی آن حکومت نبوی و علوی است مبتنی بر خدا محوری - نه انسان محوری - است و بُعد روحانی و مادی انسان مکمل هم می‌باشد لذا فقط به موضوعات این جهانی (ماده‌گرایی و دنیاگرایی) توجه ندارد، بلکه به رفاه مشروع دنیایی و سعادت اخروی به صورت همزمان و توأمان توجه می‌کند.

تذکر این نکته لازم است که پژوهشگران معتقدند گرچه در "حکمرانی خوب" یک سلسله قواعد و ویژگی‌های اساسی مربوط به "حکمرانی خوب" به صورت جهانی و بین‌المللی و برای تمام کشورها و دولت‌ها طرح می‌شود، اما باید توجه داشت که عملیاتی و اجرایی کردن آنها از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و اینکه در یک کشور خاص باید چه کارهای خاصی انجام شود و در اولویت قرار گیرد، امری است که به زمان و مطالعه نیاز دارد. از این رو، کشورها باید خودساخته بوده و گزینه‌های ملی و بومی خود را در زمینه "حکمرانی خوب" شناسایی و مشخص کنند، و برای این کار شناسایی تجربه تاریخی یک کشور و فرهنگ و ارزشهای بومی آن، امری مهم و ضروری است. (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶)

نظر به اینکه در فرمان امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر تمام مسایل ریز "حکمرانی خوب" از رابطه حاکمان با مردم و مردم با حاکمان تا دشمن شناسی، صلح، احترام به سنت‌ها و مسایل اقتصادی، امنیتی، حقوقی و

دینی... توجه ویژه‌ای شده است که در رابطه با "حکمرانی خوب" از دیدگاه اسکایی آن که در تضاد با بُعد عرفانی، دینی و حتی "حکمرانی خوب" مد نظر ما یکی نمی‌باشد. به جرأت می‌توان گفت نامه ۵۳، فراتر از هر اصول و قانونی است که برای کشورداری ارائه شده است؛ زیرا امام علیه السلام شاخصه‌های حکمرانی شایسته و حکمرانی مطلوب را که به واقع حکمرانی اسلامی است ارائه نموده است.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب فوق می‌توان جمع‌بندی کرد که روح "حکمرانی خوب" بر اساس فرمان امام علی علیه السلام به مالک اشتر با "حکمرانی خوب" از دیدگاه بانک جهانی و یا اسکایی، از بنیاد فرق اساسی دارد لذا درست است که شاخص‌های این سازمان‌ها از لحاظ دنیوی تقریباً قابل قبول، ولی از جهت مبانی ارزشی و دینی کامل نیست. البته تقریباً ۱۴۰۰ سال پیش در سیره حکمرانی امیر مؤمنان علی علیه السلام شاخص‌هایی برای حکمرانی وجود دارد که هم در بُعد نظری و هم در بُعد عملی کامل‌تر از "حکمرانی خوب" بر اساس اومانستی آن است. براین اساس، "حکمرانی خوب" آن است که به بسط و گسترش و تثبیت باورها و ارزش‌های اسلامی و انسانی بیانجامد و در آن مسیر حرکت کند. لذا "حکمرانی خوب" و شاخص‌های آن، که توسط نهادهای بین‌المللی تعریف و تبیین شده است نمی‌تواند الگو و برنامه‌ای متعالی برای پیشرفت و توسعه جامعه بشری، به ویژه کشورهای در حال توسعه و همچنین کشورهای اسلامی باشد زیرا اولاً؛ "حکمرانی خوب" و شاخص‌های آن مبتنی بر جهان‌بینی مادی است، ثانیاً؛ شاخص‌های آن در مقاطع مختلف تاریخی، عامل بحران‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی در غرب و جهان پیرامون بوده است. ثالثاً؛ در ارزیابی وضعیت حکمرانی و رتبه‌بندی کشورها هیچ توجهی نسبت به دین و ارزش‌های دینی نشده است. لذا شاخص‌های "حکمرانی خوب" با آنچه در حکمرانی در نامه ۵۳ آمده، بسیار فاصله دارد. رابعاً؛ تفاوت اساسی حکمرانی بر اساس فرمان امام علی علیه السلام به مالک اشتر با "حکمرانی خوب"، در مبانی قانون‌گذاری است، در حالیکه امام علی علیه السلام، قانون و قانون‌گذاری را منحصر به خداوند یا کسانی می‌دانند که از طرف خداوند باشند (پیامبران و امامان علیهم السلام و ولی فقیه)، و حکمرانان را تنها مجری آنها می‌شمارند.

از بحثی که مطرح شد، باید روشن شده باشد که "حکمرانی خوب و شایسته" یک آرمان است که البته دشوار است کاملاً بدان دست یافت. تعداد خیلی کمی از کشورها و جوامع می‌توانند به صورت کامل به "حکمرانی خوب و شایسته" دست یابند. به هر حال برای تأمین توسعه پایدار جامعه انسانی، کارها باید به سوی این آرمان و با توجه به واقعیت انجام شوند.

۷. منابع

- * قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۷۳ ش، قم: دارالقرآن الکریم.
- * نهج البلاغه، ۱۳۹۰ ش، مترجم: محمد دشتی، مؤسسه فرهنگی تحقیقی امیرالمومنین (علیه السلام).
۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، معجم مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالعلم.
۲. میدری، احمد و جعفر خیرخواهان، ۱۳۸۳ ش، حکمرانی خوب بنیان توسعه. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

مقالات

۳. حسینخانی، هادی، ۱۳۸۶ ش، «آسیب‌شناسی تربیت اخلاق (تربیت تحصیلی)»، فصلنامه علمی ترویجی معرفت، سال ۱۶، شماره ۱۱۲، ۱۷-۲۸
۴. حسینی‌تاش، سیدعلی و قادرعلی واثق، ۱۳۹۳ ش، «حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)»، فصلنامه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال ۳، شماره ۲، ۱۷-۲۸
۵. حقیقت، سیدصادق، ۱۳۸۰ ش، «امام علی (علیه السلام) و آسیب‌شناسی حکومت اسلامی»، مجله کتاب نقد، شماره ۱۸، ۲۵۵-۲۲۶
۶. خاشعی، وحید و عطاءاله هرنندی، ۱۳۹۳ ش، «تبیین ابعاد حکمرانی متعالی مبتنی بر سیره حکومتی امام علی (علیه السلام): تلفیق رویکرد اجتهادی و تحلیل محتوا»، فصلنامه علمی پژوهشی: پژوهش‌های علم و دین، سال ۵، شماره ۱۰، ۸۵-۱۱۰
۷. خنیفر، حسین، ۱۳۸۵ ش، «اصول مدیریت کارآمد از دیدگاه امام علی (علیه السلام)»، دوماهنامه تدبیر، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، سال ۲، شماره ۳.
۸. خواجه‌سروری، غلامرضا و حسن زارعی محمودآبادی، ۱۳۹۳ ش، «فرهنگ سیاسی مطلوب در فرمان امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۳، شماره ۹، ۶۳-۲۷
۹. دباغ، سروش و ندا نفری، ۱۳۸۸ ش، «تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب»، نشریه مدیریت دولتی، دوره ۱، شماره ۳، ۱۸-۳
۱۰. درخشه، جلال و جبار شجاعی، ۱۳۹۴ ش، «شاخص‌های حکمرانی خوب در اندیشه و عمل امام علی (علیه السلام)»، پژوهش‌های علم و دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۶، شماره ۱، ۱۷-۳۶

۱۱. دهقانی، فریبا و همکاران، ۱۳۹۴ش، «مقایسه تحلیلی حکمرانی خوب از دیدگاه نهادهای بین المللی با حکمرانی اسلامی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)»، *کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم رفتاری و اجتماعی*، ۲۰-۱
۱۲. ساروی، پریچه و مزگان قادرزاده، ۱۳۸۴ش، «جامعه مطلوب از دیدگاه امام علی (علیه السلام)»، *فصلنامه علمی ترویجی معرفت*، سال ۴، شماره ۸، ۳۱-۴۱
۱۳. شاه آبادی ابوالفضل و آمنه جامه بزرگی، ۱۳۹۲ش، «نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه»، *فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه*، سال ۱، شماره ۲، ۱۷-۱
۱۴. صباغ کرمانی، مجید و مهدی باسحا، ۱۳۸۸ش، «نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه های دولت: مطالعه موردی بخش بهداشت و آموزش کشورهای اسلامی»، *فصلنامه تحقیقات اقتصادی*، دوره ۴۴، شماره ۸۶، ۱۳۰-۱۰۹
۱۵. عظیمزاده اردبیلی، فائزه، ۱۳۷۹ش، «تئوری و مبانی مدیریت از دیدگاه امام علی (علیه السلام)»، *فصلنامه ندای صادق*، شماره ۲۰، ۳۸-۱۸
۱۶. مبارک، اصغر و زیبا آذریبوند، ۱۳۸۸ش، «نگاهی به شاخص های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی»، *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، سال ۹، شماره ۳۶، ۲۰۸-۱۷۹
۱۷. محمدی پرفکر، رقیه، ۱۳۶۹ش، «آشنایی با سازمان های بین المللی و اقتصادی (۱۰): اسکاپ - کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد برای آسیا و اقیانوس»، *فصلنامه جهاد*، سال ۱۱، شماره ۱۳۶، ۶۱-۵۶

18. Doornbos, Martin. "Good Governance': The Metamorphosis of a Policy Metaphor." *Journal of International Affairs*, vol. ۵۷, no. ۱, ۲۰۰۳, pp. ۳-۱۷.